

بالشت موریانه‌هاست
هنوز هم بر بلند بالشان
جاپای تازیانه‌هاست

ای گنجشکان عشق!
زین پس بی دانه زندگی کنید
ای چاووش خوانان رهایی
زین پس بی ترانه بندگی کنید

گره بزن به جبین
ای همیشه و همیشه نازنین
ما وارثان چه هستیم
جوراب کهنه‌ای فرو رفته در درد
وامانده ساعتی در عبور زمان
یا پیراهنی به رنگ سرخ سحرگهان؟
ما این لولیان

امروز از چه مستیم
پائیز، نیلوفران ما را ربود
وز خواب نرستیم
ای چاووش خوان مرگ
رساتر بخوان
چشم‌هایم را لحظه‌ای به میهمانی سحر ببر

نازنین!
با تاولی چرکین در قلب